



جهاد و تلاش بر ایستادگی در قله عزت

پدیدآورنده (ها) : سبحانی، علی رضا

فلسفه و کلام :: نشریه کلام اسلامی :: تابستان 1384 - شماره 54 (ISC)

از 73 تا 74

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/29227>

دانلود شده توسط : زهرا فلاحی

تاریخ دانلود : 15/07/1400

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

جهاد و تلاش بر ایستادگی در قله عزت

سنت‌های الهی آگاه بودند، با سروده‌های خود حرکتی در میان مردم پدید آوردند که سرانجام، این حرکت‌ها به حرکت‌های دیگر پیوست و زنجیر استعمار را از هم گسست و کشور استعمار زده تونس، استقلال نسبی پیدا کرد.

در میان سرایندگان تونس، شاعر جوانی را می‌شناسیم به نام ابوالقاسم الشابی که ۲۵ بهار بیشتر زندگی نکرد (۱۹۰۹-۱۹۳۴) ولی با سرودن قصائد حماسی شور و هیجانی در مردم ایجاد کرد. در میان دیوان وی با قصیده‌ای روبرو می‌شویم که تحت عنوان «ارادة الحياة» (اراده زنده ماندن) چاپ شده و از میان آن قصیده پر شور، به ترجمه چند بیت اکتفا می‌کنیم:

شعر شعرای متعهد، در ادب فارسی و عربی پیوسته در خدمت دین و مذهب بوده و گاهی قصیده‌ای در میان امت خفته، شور و شوقی ایجاد کرده تا بندهای ظلم و ستم را بگسلند و در فضای آزاد و باز زندگی کنند.

پیامبر گرامی ﷺ در نبردها، به شاعران می‌گفتند: پاسخ سروده‌های مشرکان را با شعر خود بدهید و مرد مؤمن با شمشیر و زبان، جهاد می‌کند.

کشور تونس در سال ۸۸۱ در سایه خیانت حاکمان به استعمار فرانسه در آمد. عزت اسلامی تبدیل به ذلت شد و منابع ثروت به وسیله غارتگران به غارت رفت. در این میان، جوانان هشیار و بیدار که از

اِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ
فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدَرُ
وَلَا بُدَّ لِلَّيْلِ أَنْ يَنْجَلِيَ
وَلَا بُدَّ لِلْقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِرَ
وَمَنْ لَمْ يُعَانِقْهُ شَوْقُ الْحَيَاةِ
تَبَخَّرَ فِي جَوْهَا وَانْدَثَرَ
وَمَنْ لَمْ يُحِبَّ صُغُودَ الْجِبَالِ
يَعِيشُ مَدَى الدَّهْرِ بَيْنَ الْحُفَرِ^(۱)

اگر ملتی خواهان زندگی
شرافتمندانه باشد
حتماً قضا و قدر نیز با او هماهنگ
می شود.^(۲)
سیاهی شب ناگزیر به سپیده صبح
می رسد .
و بندهای ستمگران از هم
می گسلد .
و هر کس با عشق به زندگی ، هم
آغوش نگردد
در فضای بی کران زندگی ، تبخیر و
محو می شود .
و هر کس خواهان تسخیر قله های
عزت نباشد .
زندگی را در چاله های ذلت سپری
می کند .

فصاحت و زیبایی کلمات و
جملات ، و از آن بالاتر بلاغت و شیرینی
معانی این ابیات آن چنان جذاب و دلکش
است که نمی توان برای آن قالبی ریخت
ولی ما در حدّ توان به ترجمه آنها
می پردازیم :
او می گوید :

۱ . دیوان ابوالقاسم الشابی : ۷۶ .

۲ . اشاره به آیه مبارکه : «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/ ۱۱) .